

مجموعه ای از فتاوی فارسی مرحوم سید کاظم رشتی

السید کاظم الرشتی

النسخة العربية الأصلية



مجموعه ای از فتاوی فارسی مرحوم حاج سید کاظم رشتی

من مصنفات

السید کاظم بن السید قاسم الحسینی الرشتی

جواهر الحكم المجلد العاشر

شركة الغدير للطباعة و النشر المحدودة

البصرة - العراق

شهر جمادی الاولى سنة 1432 هجرية

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال: آیا نیست عمن هو قطب مروجی فضائل العلویة سیدنا و مولانا الحاج سید کاظم ادام الله افادته علی تلامیذه :

سؤال - آیا شرط است در عقد منقطع یا دایم معرفت قواعد عربیه از صرف و نحو و معرفت انشاء و اخبار بتفصیل یا نه بلکه محض معرفت ایجاب و قبول کافیت

الجواب - اصح در نزد حقیر عدم لزوم معرفت قواعد عربیه از صرف و نحو و سائر احکام عربیه است و اما معرفت انشاء و اخبار لابد است و بدون آن عقد صحیح نیست و احوط آنست که صیغه را بلفظ عربی فصیح ادا نمایند مهما ممکن اگر چه بهر لسان و لغت جائز است و اما در حال عدم تمکن از عربیت بهر لغت که ادا کند با مراعات ایجاب و قبول عقد صحیح است بلا اشکال و الله العالم

سؤال - آیا شال کمر در حبه مثل سائر رخوت اب است به پسر بزرگ میرسد یا اینکه محل اشکال است

الجواب - بلی حکم شال کمر حکم سائر رخوت است



ORIGINAL

سؤال - آیا شهادت دادن در نزد غیر مجتهد از برای احقاق حق جائز است یا نه

الجواب - هر گاه شهادت بجهت مرافعه و حکم باشد جائز نیست و هر گاه بجهت بیان امر و ایقاع صلح باشد ضرری ندارد

سؤال - آیا منجزات مریض از ثلث است یا از اصل

الجواب - اظهر نزد حقیر آنست که منجزات مریض از اصل است نه از ثلث لأن المرء اولى بماله ما دام حیا و در مسأله خلافت

سؤال - هر گاه زید ملکی را فروخته به بیع شرط و تنخواه را گرفته و خود بسفر رفته و مدتی منقضی شده و شخصی را هم وکیل مطلق نموده الحال وکیل میتواند ملک فروخته بگیرد و تنخواه را رد نماید و دیگر وکیل میتواند خود را خلع نماید

الجواب - هر گاه قبل از انقضاء مدت اختیار تعیین وکیل نموده بجهت رد ثمنی و قبض میتواند وکیل استرداد ملک مبیع نماید بعد از اداء ثمنی آن و هر گاه بعد از انقضاء مدت اختیار تعیین وکیل نموده صحیح نیست مگر آنکه دومرتبه وکیل کند در خریدن آن ملک چه بانقضاء مدت بیع لازم شده بایع را تسلطی نیست چون وکالت عقد لازم نیست و از عقود جائزه است وکیل میتواند خود را خلع نمود هر وقتی که خواسته باشد با اعلام موکل خود

* سؤال - آیا بخار و عرق شیئ متنجس نجس است یا نه

الجواب - مشهور میانه فقهای ما رضوان الله علیهم طهارت است و لکن مرحوم شیخ اعلی الله مقامه نجاست را ترجیح داده است و اصح قول مشهور است بجهت عسر و حرج و احتیاط طریق نجات و سلامت است

* سؤال - آیا صحت بیع مال غیر فضولا موقوف بر اجازه مالک است یا نه

الجواب - صحت بیع فضولی در نزد حقیر غایت اشکال دارد بلکه ارجح و اقرب عدم صحت است و بر فرض صحت چنانچه قول مشهور است موقوف بر اجازه مالک است

* سؤال - آیا چیز حرام را کسی بخورد و هنوز به تحلیل نرفته باشد نماز با آن قسم چگونه است باطل است یا نه و آیا در سعه وقت استفراغ کند یا نه

الجواب - نماز صحیح است و صحت نماز موقوف باستفراغ آن نیست خواه در سعه وقت استفراغ کند خواه در ضیق وقت زیرا که او را حامل مغضوب اطلاق نمیشود نه شرعا و نه عرفا و نه آفة (لغة خل)

* سؤال - آیا کسی مقلد مجتهدی بوده حال آن مجتهد مرحوم شده بنا بر آنکه باقی ماندن را جائز نمیدانید و این مقلد در تجسس و تفحص مجتهد حی تکاهل و تساهل دارد اعمالی که میکند برای مجتهد مرحوم بعمل میآورد آیا خود این تکاهل در جستجوی مجتهد حی حرام است یا اعمالش هم باطل است

الجواب - بعد از فوت مجتهد واجب است تفحص و تجسس کردن از مجتهد حی عادل ثقه امین جامع شرایط فتوی و حکم و تکاھل و تساهل حرام است و اعمالی که در این اثناء بعمل آورده هر گاه با تکاھل و تساهل باشد باطلست

* السؤال - آیا قصد قربت مطلقه در اغسال و وضوء پیش از دخول وقت و بعد از دخول کافیت یا نه

الجواب - بلی قصد قربت مطلقه در جمیع اعمال در جمیع احوال کافی است و احتیاج بتعین وجوب و ندب نیست

* السؤال - در اذان و اقامه بعد از فصول حی علی الصلوة و حی علی الفلاح لا حول و لا قوة الا بالله سنت است یا نه و بعد از فصل حی علی خیر العمل دو مرتبه آل محمد خیر البریة سنت است یا نه بینوا جعلت فداکم که نواصب این ولا حرام میدانند

الجواب - اما استحباب لا حول و لا قوة الا بالله در دو موضع مذکور قایل از علماء ما ندارد و دلیلی نیز بر آن اقامه نشده هر چند خود فی نفسه ذکر است شریف و مستحب و ذکرش در اذان نه بقصد جزئیت و نه بقصد استحباب در موضع مخصوص و یا مطلق اذان و اقامه بی عیب است اما ذکر آل محمد خیر البریة جزء اذان نیست و نه مستحب در اذان اما از جهت تین و تبرک باین ذکر شریف و ذکرش در اذان که در او اعلاء کلمه حق است نه بقصد جزئیت بسیار بجا است و قول بحرمت لغو است مگر بقصد جزئیت و ذکر الله در هیچ حال ممنوع نیست خصوصا در اذان که کلام بین فصول آن ممنوع نیست اجماعا و هر گاه ذکر کند و بگوید آل محمد خیر البریة اظهارا لشرفهم و اعلانا لبعض مقاماتهم لا لانه جزؤ عیبی و قبحی ندارد باتفاق جمیع علمای شیعه رضوان الله علیهم و قول بحرمت بر وجه مذکور خلاف مذهب فرقه ناجیه است

السؤال - سیدنا غنا را در استفتای داعی سابق بر این فرموده بودید که لحن اهل فجور است و تمیزش موکول به عرف است اکثر الحان اهل فجور را بعض قراء در قرائت قرآن و بعضی روضه خوانها در مرثی میخوانند عرف چه خاك بر سر بریزد بیان فرمائید یا محلل المشاكل

الجواب - بدانکه غنا صفت هیئت صوت است نه ماده کلامی که صوت متقوم باو است پس اگر قرآن یا مرثیه یا اذان و اقامه یا سائر اذکار مناجات و ادعیه ماثوره را بهمان لحن یعنی بلحن اهل فجور بخواند غنای محرم است و عرف میفهمند که این نحو از لحن قابل مجلس اهل مروات و اهل شرف و سادات که خالی از شوب شهوات باشند نیست بلکه لایق مجلس فسقه و فجره و اهل شهوات نفسانیه است و این مناط است و الا گاهی در مجلس اهل فجور صوت حسن خوانده میشود و بالعکس

السؤال - آیا کسی قضای صوم واجبی در ذمه داشته باشد حرام است که صوم مستحب بگیرد یا نه

الجواب - بلی حرام است و جائز نیست تا قضای صوم واجب را بعمل نیاورد

سؤال - آیا غیر مجتهد جامع الشرائط حکم یا قسم بطریق مصالحه میتواند بکند یا بدهد یا نه

الجواب - اما حکم برای غیر مجتهد بوجهی جائز نیست چه آن خاصه مجتهد قائم بحق و نائب مطلق امام علیه السلام می باشد بنصوص مستفیضه بل متواتره معنی و اما قسم بطریق مصالحه جماعتی از علمای ما رضوان الله علیهم تجویز فرموده اند و شیخ ما اعلی الله مقامه هم باین قول قائل است و لکن حقیر را در این تامل است و احتیاط در دین مطلوب است پس در امر قسم بحاکم شرع رجوع نمودن احوط است و طرق مصالحه منحصر بقسم نیست

* السؤال - کسی اجیر ختم قرآن باشد و بعد از ختم قرآن معلوم شد که در حین قرائت مثلاً در سوره بقره يك حرفی یا کلمه ای غلط شده است یا نگفته است برگردد از آنجا مجدداً قرائت کند و بعد ما بقی را یا همان کلمه را گفتن کافی است

الجواب - چون ترتیب در قرآن لازم نیست پس گفتن همان کلمه کافی خواهد بود و لیکن در اجاره خالی از اشکالی نیست بجهت اینکه قصد متعاقدين بر متعارف است و متعارف الآن بین الناس ترتیب است و العقود تابعة للقصود پس مراعات ترتیب در نحو اجاره اولی و احوط خواهد بود

* السؤال - آیا عقد نکاح تحقق می پذیرد که زن بگوید زوجتك نفسی علی الصداق المعین المعلوم و مرد بگوید قبلت یا طول متعارف ضرور است

الجواب - این مقدار از صیغه کفایت میکند در تحقق نکاح و طول متعارف ضرور نیست

السؤال - آیا خمس که بعین علاقه گرفت میتواند که بعوض آن عین جنسی دیگر یا نقد بدهد یا نه

الجواب - بلی میتواند و عیبی ندارد

السؤال - از کسی که طلب دارم ماطلة میکند و خودم هم نمیگویم اگر پیش حاکم شرع ببرم میتوانم بگیرم باز تقاص میکنم جائز است یا نه

الجواب - هر گاه متمکن باشد از اثبات طلب خود پیش حاکم شرع و بعد متمکن از استیفای حق خود باشد تقاص جائز نیست اما در صورت عجز از همه یا یکی جائز است

السؤال - در این اوقات که در طلا و نقره سکه سلطان محمد شاه را بدین سیاق زده اند که شاهنشاه انبیاء محمد (ص) دست زدن چطور است بی طهارت

الجواب - چون محمد مراد از او در این مقام رسول الله صلی الله علیه و آله است و اصح در نزد حقیر عدم جواز مس اسماء انبیاء و ائمه علیهم السلام است بی طهارت پس خصوص این اسم شریف علی مسمایا آلاف الثناء در این سکه بی طهارت مس آن جائز نیست

السؤال - آیا باغ و بستان را بآب غصبی سیراب نمایند حاصل آنرا میتوان خورد یا نه

الجواب - بلی حاصل آنرا میتوان خورد و آن زراعت حلال است و قیمت آب را صاحب آب از صاحب باغ میگیرد و بر او هم واجب است ایصال قیمة

* السؤال - آیا سجده سهو در چند جا واجب است

الجواب - جمعی از فقهای ما رضوان الله علیهم سجده سهو را در پنج جا واجب میدانند در نزد نسیان تشهد و نسیان يك سجده و زیادتى سلام و شك بین چهار و پنج بعد از اكمال سجدهتین و تكلم کردن بدو حرف یا زاید سهوا و لكن شیخ ما اعلی الله مقامه هر زیادتى و کسى واجب سجده سهو را واجب میدانند الا مواضعی که استثنا شده است مثل زیادتى و کسى حمد و سوره و سائر اذکار و جهر و اخفات و طمأنینه و امثال اینها از اموری که تلافی و تدارکى برای ایشان نیست هر گاه از محلس گذشته باشد و همین مختار مرحوم شیخ مختار حقیر است

* السؤال - آیا توری که کافر ساخته باشد پخته شدن از آتش پاك میشود یا نه

الجواب - هر گاه معلوم شود که کافر بدست خود مباشر بوده مختار مرحوم شیخ اعلی الله مقامه طهارت آن است بخلاف مشهور و قول مشهور احوط است اگر چه ادله طهارت محکم است

السؤال - آیا در قضای ماه رمضان و یا سنتی پاك بودن از جنابت در وقت صبح شرط است یا نه

الجواب - اما قضای ماه مبارك رمضان حکم خود ماه را دارد بقای بر جنابت مفسد صوم است و اما روزه سنتی جائز است بقای بر جنابت در روزه سنتی هر چند عمدا باشد

* السؤال - آیا سجده نمودن بسفال یا آجر و یا تسبیح پخته صحیح است صلوٰة یا نه

الجواب - بلی جائز است وفاقا لمولانا الشیخ و احوط تجنب است وفاقا للمشهور

السؤال - آیا در صورت عدم تمکن از ایصال مال امام بمجتهد جامع الشرائط میتواند خودش بمستحقین سادات برساند یا نه

الجواب - تصرف در مال امام روحی فداه و علیه و علی آبائه السلام بدون اذن مجتهد بوجهی جائز نیست هر گاه متمکن از مجتهد نباشد در پیش خود یا امینی حفظ کرده و هر گاه بمیرد وصیت کند تا برساند هر چند این فرض نادر است بجهت اینکه خداوند عالم عباد خود را مهمل الناصیة نخواهد گذاشت

السؤال • - آیا سیدنا جناب آخوند ملا حسین جوان قرقه داغی که از تلامذه سرکار فیض مدار است حال در این ولا در دارالسلطنه تبریز ساکن است و ادعا میکند که جناب قطب العارفین و المجتهدین جناب حاجی سید کاظم اطال الله بقاه مرا مأذون داشته اند در اخذ مال امام (ع) و در يك پاره ای جاها مصرف نمودند

الجواب - از بعد عهد در نظرم نیست نه خود جناب ایشان و نه اذن حقیر مر جناب ایشانرا

* السؤال - آیا کسی که خیمه‌نشین باشد مثلاً ششماه در یکجا توطن نماید در شش ماه دیگر سیر نماید آیا این سیر شش‌ماهی دایر مدار کثیر السفري مینماید یا نه و احکامش بصدق اسماء است یا نه

الجواب - در شش ماه اول که متوطن در يك موضع هست نماز را اتمام میکند و در شش ماه دیگر هر گاه متصل سیر نماید هم نماز را تمام میکند و روزه را میگیرد و اما کثیر السفر کسیست که سه مرتبه سفر کند و در ضمن این ده روز در موضعی قصد اقامه نکند یا در وطن خود ده روز نماند در این وقت در سفر سیم حکم قصر نماز و ترك صوم از او برداشته میشود پس واجب است که نماز را تمام کرده و روزه را بگیرد

* السؤال - آیا خون زحله گوسفند که طحال میگویند پاك است یا نه

الجواب - بعد از تزکیه طحال پاك است و خوردنش حرام است و آن یکی از محرمات ذبیحه است

السؤال - آیا در زیادت از مؤنه سنه که خمس را واجب میفرمائید شخصی مثلاً قناعت کرده زیاده مانده است و هر گاه وسعت داده بود بخود و عیالش زیاده نمیمانند در این صورت واجب است خمس یا نه

الجواب - آنچه بعد از تمام سنه زاید بر مؤنه خود و عیالش باشد خمس باو تعلق میگیرد خواه بر خود وسعت داده باشد در اثناء سال یا تنگ گرفته باشد بجهت اطلاق ادله

السؤال - بشخصی مثلاً وثوق دارم که آن شخص میگوید جناب شما او را مأذون نموده‌اند در گرفتن مال امام (ع) آیا میتوانم بقول این شخص موثق و مدعی از طرف جناب شما مال امام علیه السلام را باو بدهم یا نه بینوا ادام الله بقا کم و جعلنی من کل مکروه فدا کم

الجواب - هر گاه از قول او علم قطعی حاصل میشود میتوان بمقتضایش عمل نمود و الا فلا

* السؤال - آیا شخصی عادت نموده است در رکعتین اخیرتین بقرائت تسبیحات اربعه پس حمد را خواند سهوا و در اثنا حمد یا در آخرش بخاطرش آمد که معتاد بوده است تسبیحات آیا این حمد مجزی است از تسبیحات یا باید از تازگی عاید و قاصد هر کدامین باشد

الجواب - هر گاه حمد را سهوا خوانده بدون قصد چون بخاطرش آید باید اکتفا بآن نکرده یا تسبیحات بخواند یا حمد را از سر بگیرد

* السؤال - آیا مأموم در رکوع بعد از دریافت امام وقتی خبردار شود که امام سجده‌ها را تمام نموده است تکلیفش قصد انفراد است یا چه کند

الجواب - در این صورت خود سجده کرده و بامام ملحق شود و نماز را تمام کند و احتیاطا اعاده نماید و قصد انفراد در این مقام خالی از اشکال نیست اگر چه جواز ارجح است

السؤال - آیا کسی در ملك خودش درختی غرس نموده باشد و شاخهای آن کشیده شود بملك غیر بحیثیتی که نفع بردن غیر از ملك خودش نشود آیا میتواند بدون اعلام صاحب درخت شاخهای آن درخت را قطع نماید یا نه

الجواب - احوط اعلام صاحب درخت است و در نزد امتناع او خود میتواند قطع کند

* السؤال - آیا استخوان گوسفند یا شتر یا گاو که مطروح باشد پاك است در ولایتی که ارمنی و مسلمان هر دو ساکنند یا چه قسم است

الجواب - استخوان بی گوشت مطلقا پاکست در هر جا که باشد مگر استخوان نجس العین که در آن خلاف است و مشهور نجاست است و قول مشهور هم مختار است

* السؤال - آیا شیر انگور را بجهت غلظت آب ریزند و قوام آورند تا ذهاب ثلثین شود بکیفیت مخلوط آبی پاکست یا نه

الجواب - بلی پاکست

* السؤال - آیا کسی مدیون باشد و سر وعده نرسیده باشد آیا غرما میتواند که او را از سفر کردن مانع باشند و یا ضامن بگیرند

الجواب - قبل از وعده غرما را تسلطی بر مدیون نیست تا بسر وعده و چون وعده در رسد مسلطند بر اخذ طلب خود و بر منع از سفر و از هر چیزی که مانع از وصول طلب میشود

* السؤال - آیا شخصی بسبب ثقل سامعه و یا همهمة خلق تكبيرة الأحرام و یا قرائت خود را نشنود آیا حکم تقدیر است یا اعاده اسماعی

الجواب - بلی حکم تقدیر است

* السؤال - آیا جاهل مسأله که معذور است در چند جا معذور است

الجواب - جاهل مسأله در مسائلی که عامة البلوی نیست مثل مسائل حدود و نوادر احکام نکاح و طلاق و موارث و امثال اینها معذور است و در احکام حج نیز بنصوص متکثره شارع جاهل را معذور داشته است و اما سائر احکامی که عامة البلوی است مثل احکام صلوة و صوم جاهل مسأله معذور نیست الا در دو موضع یکی در جهر و اخفات نماز یومیة ای که در موضع جهر اخفات کند و در موضع اخفات جهر نماید جاهلا بر او حرجی نیست و موجب اعاده نماز نیست و اما هر گاه عمدا ترك کند موجب بطلان است و سهوا نیز موجب بطلان نیست دوم در قصر و اتمام که در موضع قصر تمام کند و هر گاه در موضع تمام قصر کند معذور نیست و موجب اعاده است هر گاه عمدا یا سهوا قصر را تمام کند ایضا موجب اعاده است اما جهلا در این صورت خاصه معذور و اعاده بر آن نیست

* السؤال - آیا ارامنه و گرجی که تابع اروسند اگر یکی از ایشان ببلاد ما مثل تبریز و غیره بیایند بر سبیل تجارت و غیره کسی مال ایشان را در آنجا بطوری بردارد که ضرری باحدی نرسد میتوان خورد یا نه

الجواب - کافر حربی هر گاه بتخیل امان بر سبیل تجارت در بلاد اسلام داخل شود جان و مالش محفوظ است تا بمأمن خود برسد پس حرام است تصرف در مالش بدون اذنش بجمع وجوه

السؤال - آیا شهادت علمی را در امور محسوسه بحس ظاهر معتبر میدانید یا نه

الجواب - اصح اعتبار شهادت علمی است و احوط اعتبار حس ظاهر است خصوصا در این زمان که مردم ظاهر العدالة ادنی شبهه‌ای را علم میدانند و احتیاط در دین علی کل حال مطلوب است و حاکم شرعی را رأی صایب و دقت نظر لازم است

* السؤال - صیغه فضولیه در متعه هم مثل عقد دائمی جائز است یا نه

الجواب - چون متعه از اقسام نکاح است جواز فضولی در آن اقرب بصواب است و احتیاط خصوصا در فروج مطلوب است

السؤال - در بیخ دندانها از زیادتى طعام مانده باشد و خلال نموده و دهن خون‌آلود باشد آیا با زوال عین از دهن پاک میشود آن اجزای متخلفه یا نه

الجواب - احوط بلکه اظهار پاک نشدن آن اجزا است بعلت اختصاص حکم طهارت بدهن و سائر بواطن نه اجزای خارجه داخله بالعرض اگر چه قول بطهارت خالی از وجه نیست بجهت لزوم این اجزاء متخلفه و صعوبت انفکاک از آن و بودنش بحکم اجزاء دهن

* السؤال - آیا مصلی بسمله را متصل بحمد بگوید و حمد صحیح ادا نشده محتاج باعاده باشد آیا اعاده بسمله هم ضرور است یا باعاده حمد کافی است

الجواب - اعاده بسم الله ضرور نیست در این صورت بلکه اعاده حمد کافیهست

* السؤال - آیا از برای زلازل متعدده يك صلوة کافیهست یا اینکه برای هر کدام علیحده ضرور است

الجواب - هر گاه متعدد باشد بحیثیتی که سکون متخلل باشد بین دو زلزله برای هر کدام نماز علیحده ضرور است و هر گاه حرکت متصل باشد بعد از سکون يك نماز کافی است

* السؤال - آیا کسی در جائی قصد اقامه بکند و بعد از آن چنان اتفاق افتد که بدو یا سه فرسخی بعنوان سیاحت یا مهمانی یا تجارت سفر کند و عزمش این باشد که همان روز یا بعد از چند روز دیگر برگردد آیا قصد اقامه او بهم میخورد یا نه

الجواب - هر گاه در اول اقامه قاصد بیرون رفتن از حد ترخص نباشد اقامه‌اش منعقد و بیرون رفتن قبل از قصد چهار فرسخ موجب نقض اقامه‌اش نمیشود خواه همان روز برگردد یا بعد از چند روز اما هر گاه در اول اقامه قاصد خروج بزیاید از حد ترخص باشد اقامه‌اش منعقد نمیشود

* السؤال - آیا کسی که در سفر باشد و وقت نماز داخل شود و نماز را نکند با وجود وسعت وقت و تا داخل وطن بشود و هنوز وقت باقی باشد آیا در این وقت نماز را قصر میکند یا تمام و همچنین عکس آن

الجواب - ظاهر این است که متعبر وقت ادا باشد نه وقت وجوب پس اگر در سفر بر او واجب شود و در سعه وقت در محل اتمام برسد نماز را تمام میکند و بعکس بعکس و جمع میانه قصر و اتمام است

* السؤال - آیا نماز شب چند رکعت است بعد از نافله عشا و همچنین نماز شب را مثل نماز صبح دیگر طول ادعیه نباشد میتوان گذارد یا نه بینوا توجروا

الجواب - نماز شب هشت رکعت است و وقت ادای آن بعد از نصف شب است هر چه بصبح نزدیکتر ثوابش بیشتر و پیش از نافله شب دو رکعت نماز افتتاح میکند و نافله شب هر دو رکعت بیک سلام مثل نماز صبح بعد از فراغ از هشت رکعت دو رکعت نافله شفع بجا میآورد و در رکعت اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در ثانی بعد از حمد قل اعوذ برب الناس و اصح نزد حقیر قنوت است در این نماز پس سلام گفته مفرده و تر را بعمل آورد و آن يك رکعت است بعد از تکبیرات افتتاحیه و ادعیه اش و حمد سه مرتبه قل هو الله احد و معوذتین میخواند بعد قنوت را بآدابی که علماء در کتب ادعیه ذکر نموده اند بجا میآورد و بی ادعیه مأثوره در این رکعت و سائر رکعات نماز شب مجزی است و احسن بلکه احوط عدم ترك آن است با سعه وقت و بعد از فراغ از مفرده و تر دو رکعت نماز نافله صبح میگذارد و هر گاه تأخیر کند تا طلوع فجر صادق هم خوب است و وقت نافله از اول فجر صادق است تا طلوع حمرة مشرقیه

* السؤال - آیا جهر بسمله در نماز اخفاتی مستحب یا نه

الجواب - بلی مستحب است بلکه از شعار ایمان است جهر بسم الله در جمیع صلوات در کل احوال

* السؤال - آیا در حین ذکر اسم حضرت پیغمبر (ص) که صلوات فرستادن واجب است آیا در صلوات در ما بین قرائت صلی الله علیه کافیت و و آله گفتن در تکوین که تفریق ندارند آیا در تشریع علی الظاهر خلی بقصد ذکر بصلوة و بقرائت که ندارد بیان فرمائید

الجواب - بلی بقصد ذکر خلی ندارد زیرا که صلوات افضل اذکار است

السؤال - یتیمی بوده و چیزی ندارد و کسی هم باو چیزی نمیده آیا کسی میتواند که مدتی اخراجات او را بکشد بقصد اینکه هنگام کبر سن از او مطالبه نماید یا نه

الجواب - هر گاه یتیم منقطع الاسباب باشد از جمیع وجوه بر تمامی اهل اسلام واجب است نفقه و کسوه آن تا بزرگ شود و متمکن از تحصیل قوت گردد پس اخراجات بقدر قوت واجب و کسوه لازمه بقصد مطالبه نمیتوان نمود بلکه واجب است اتفاق بر آن و اما زاید بر قدر واجب هر گاه متبرع نباشد و در وقت کبر آن یتیم متمکن باشد مطالبه خالی از اشکالی نیست و احوط عدم مطالبه است و احوط برای یتیم ادای مقدار مصارف او است در چنین صورت

* السؤال - هر گاه کسی مدیون باشد و قلیل وجهی دارد میخواهد به طلبکار ندهد و اظهار میکند که ندارم که بلکه طلبکار بقلیل وجهی راضی بشود و صلح نماید چه صورت دارد و هر گاه صاحب طلب مطلع شود راضی نخواهد بود که حيله کرده است بیان فرمایند

الجواب - این صلح صحیح است هر چند اثم عذر و حيله بر فاعل او است و در روز قیامت مستعد جواب باشد و لکن این معنی موجب فساد صلح نمیشود

* السؤال - چه میفرمائید در خصوص کسی که مالش را بکسی بفروشد و صیغه نخواند و قدری از وجه تنخواه هم بصاحب مال بدهد آیا میتواند فسخ معامله نماید یا نه

الجواب - صیغه از ارکان بیع است و بدون آن بیع لازم نیست و لیکن صیغه مخصوص بلفظ معینی نیست بلکه هر لفظی که دلالت بر ایجاب و قبول کند و میانه بایع و مشتری واقع شود همان صیغه است پس بیع لازم و فسخ بدون رضای طرفین باطل

* السؤال - آیا خمی که روغنی باشد و در آن سرکه بگذارند و يك پاره ادویه مثل از قبیل ثلک یا جویا زغال یا سرکه که در وقت گذاشتن انگور در خم میریزند آیا بعد از غلیان و اشتداد که سرکه میشود آن روغنی خم یا سائر ادویه بتبعیت سرکه پاك میشود یا نه

الجواب - ادعیه (ادویه خل) متعارفه که بجهت سرکه میریزند بتبعیت سرکه پاك میشود اما ادویه غیر متعارفه که دخی در تحقق سرکه ندارد پاك شدن آن در غایت اشکال است و احتیاط در دین علی کل حال مطلوب است

السؤال - آیا غیبت در چند جا جائز است و همچنین غیبت نواصب این زمان که بعضی احادیث فضائل آل محمد (ص) را منکر هستند مثل خطب شیخ رجب برسی چگونه است

الجواب - بدانکه استثنا شده است از حرمت غیبت هشت موضع اول وقت تظلم در نزد کسی که امید رفع ظلم از او دارد جائز است که در نزد او ذکر کند معایبی را که باو ظلم واقع شده است و احوط آنست که اقتصار بقدر ضرورت کند دوم استعانة بر تغییر منکر و رد عاصی از معصیتش و نیت صحیح در اینجا معتبر است و قصد را در این حکم مدخلیت عظیم است سیم استفتا در نزد مفتی بحق مثل اینکه بگوید برای مفتی که ظلم کرده است مرا فلان و فلان بفلان طور و فلان طور طریق استخلاص من چه گونه است چهارم تحذیر مسلم از وقوع در خطر و نصیحت مستشیر و هر گاه ببیند عالمی و فقیهی تبلیس کند و تدلیس نماید مردم را از این خبر دهد تا از شر او محفوظ بمانند پنجم جرح و تعدیل شاهد و راوی حدیث بجهت حفظ احکام شریعت پس ذکر کند آن معایبی که مخل بشهادت و قبول روایت است نه مطلق قبایح و معایب او را مگر آنکه متجاهر بفسق باشد چنانکه مذکور میشود ششم آنکه آن شخص متجاهر و متظاهر بفسق باشد چنانچه استنکاف از فعل آن معصیت نداشته باشد و انکار نرزد چون از او سؤال کنند اعتراف کند و مخفی ندارد و احوط این است که در اینصورت اقتصار کند بآن عیبی که متجاهر است در آن هفتم این است که شخص مشهور و معروف باشد باسی که دلالت بر عیبی کند مثل اعرج و اعمش و اشتر و امثال اینها که ذکر اینها در نزد ذکر آن شخص جائز است هشتم هر گاه مطلع شوند کسانی که ثابت میشود بایشان حد شرعی یا تعذیر بر فاحشه جائز است ذکر آن

فاحشه در نزد حاکم شرع بصورت شهادت خواه در حضور فاعل یا در غیابش این هشت موضعیست که غیبت در این مواضع مستثنا است و یک موضع دیگر هم هست که جمعی از علما او را نیز مستثنا کرده‌اند و آن این است که هر گاه دو نفر یا بیشتر شخصی را در معصیتی ببینند جائز است در پیش خودشان ذکر آن معصیت کنند زیرا که در این ذکر فائده مرتب نیست و احوط بلکه اظهر ترك این است بجهت عموم ادله حرمت غیبت و عدم صلاحیت اینگونه استحسان بجهت تخصیص ادله و اما منکرین فضائل ائمه علیهم السلام هر گاه ناقل فضیلت ادعای استقلال در حق اهل بیت علیهم السلام نمایند یا بتفویض امر بسوی ایشان که حقیقت مرجعش بسوی استقلال است قائل نباشد پس هر چه ذکر کند از فضائل که از این دو خالی باشد و در او ادعای نبوت بجهت احدی از ائمه علیهم السلام یا برتری مقام ایشان از مقام رسول الله صلی الله علیه و آله نباشد منکر ما عدای امور مذکوره فاسق و فاجر بلکه متجاهر بفسق است بلکه بعید نیست قول بخروج او از مذهب اثنی عشری چنانکه صریح دعای اعتقاد است که مروی است بطریق (بطرق ظ) صحیح و مذکور است در کتب معتبره و از فقرات آن دعا است و ان علیا امیرالمؤمنین و سید الوصیین و وارث علم النبیین و قاتل المشرکین و امام المتقین و مبیر المنافقین و مجاهد الناکثین و القاسطین و المارقین امامی و حجتی و صراطی و دلیلی و محجتی و من لا ائق بالاعمال و ان زکة و لا اراها منجیة و ان صلحت الا بولایته و الایتام به و الاقرار بفضائله و القبول من حملتها و التسليم لرواتها الدعاء و باین مضمون در احادیث و زیارات و ادعیه بیش از حد احصا است و مجملی برای انکار ایشان هر گاه خالی از امور مذکوره باشد با حدیث ثابت مستفیض بلکه متواتر اجعلوا لنا ربا نؤب الیه و قولوا فینا ما شئتم و قوله علیه السلام ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و مأواه و منتهاه جز خبث باطن و عداوت جبلی نیست الا لعنة الله على القوم الظالمین ای ظالمی آل محمد حقهم و من اعظم حقوقهم نشر فضائلهم و ذکر مدائحهم و بٹ مناقبهم و ترك ذلك و انکاره کتمان و رفع لهم عن حقهم و لعن الله امة رفعتکم عن مقامکم و ازالتم عن مراتبکم التي رتبکم الله فیها و چه بسیار عجب است که با وجود تواتر و تکاثر این نوع اخبار و آثار در دفاتر و کتب علماء متقدمین و متأخرین و بدهشت در نزد مسلمین حتی عوام الناس این قسم سؤالی از چنان عالی جنابی در حق این گونه اشخاص واقع میشود

* السؤال - آیا در نوافل جهر و اخفات تابع حکم اصل فریضه است یا مختار است و همچنین در نماز آیات و نذر و طواف

الجواب - اما نماز آیات و نذر و طواف و سائر نمازهای غیر رواتب مختار است در جهر و اخفات و اما در رواتب پس در نوافل شب مطلقا جهر مستحب است و در نوافل روز اخفات و نافله صبح ملحق است بنافله شب

السؤال - آیا کسی با وجود امکان غسل در شب ماه مبارک رمضان غسل را تأخیر انداخته که مجال غسل نمانده تیمم نموده صبح را با تیمم ادراک نماید فعل حرام نموده یا عملش باطل است

الجواب - عملش صحیح است و گناه تأخیر غسل عمدا بر او است

* السؤال - آیا مصلی را در حال قرائت کسی برخورد و استقرارش بهم خورد آیا آن کلمه که در قرائت او تزلزل بعمل آمد کافی است یا آنکه مجددا بخواند

الجواب - آن کلمه را مجددا با اطمینان اعاده کند

* السؤال - آیا مصلى در بعضى از اقوال يا افعال صلوٰة وسوسه دارد ساير مواضع شكوك صلوٰة هم مرجوع بحكم كثير الشك است يا نه

الجواب - هر گاه شخص كثير الشك است باين معنى كه در يك نماز سه مرتبه شك كند يا در سه نماز متوالى شك نمايد بنا را بر صحيح ميگذارد و عمل را تمام ميكند هر كه چنان نيست رجوع باحكام شك و سهو نماز مينمايد

السؤال - آیا بعض مساجدى كه خراب نشده كسى ميخواهد كه خراب كند و طرح نو يا محكم و احسن از طرح و بناى اولى بسازد مشروع است اينگونه تخریب و تعمير يا نه

الجواب - هر گاه طرح احسن و غرض واقف حاصل ميشود بر وجه اتم جائز است و الا فلا

* السؤال - آیا بعد از تسبيحات اربعه در نماز مستحب است ذكر استغفر الله ربى واتوب اليه

الجواب - بلى مستحب است استغفار و صلوات و بعضى از علمای ما استغفار را واجب دانسته اند و اصح استحباب است

* السؤال - آیا مصلى را در طلای غير مسكوك كه حامل باشد ظاهر باشد يا باطن نماز چطور است

الجواب - نماز جائز است و اشكالى ندارد مطلقا

* السؤال - آیا در كفش عوض شده وضو چطور است

الجواب - وضو صحيح است و استعمال آن كفش حرام است مگر علم برضاى صاحبش داشته باشد

* السؤال - آیا لقطه را كه بايست تعريف كنند اما هر گاه در وقت يافتن يا پيش از تماميت مدت تعريف قطع يا مظنه متاخم بعلم برساند كه صاحبش پيدا نميشود ميتواند از طرف صاحب مال تصدق كند يا نه

الجواب - تعريف واجب است على كل حال علم و ظن در اینجا معتبر نيست

* السؤال - آیا صلوات فرستادن بر پيغمبر صلى الله عليه وآله و اولاد طاهرين آن در ركوع و سجود مستحب است يا نه

الجواب - بلى مستحب است و سبب زيادتى نور و ثواب نماز است

* السؤال - آیا در قرائت در صلوٰة تميز كاف عربى از كاف عجمى از محسنات قرائت است يا نه و همچنين ادغام در محمد و آل محمد در تشهد واجب است يا نه و همچنين مد و لا الضالين و همچنين در قرائت در جار و مجرور و مضاف و مضاف اليه و صفت و موصوف و صله و موصول مجرور و مضاف اليه و صله غلط شود هر دو بايست گفته شود يا نه

الجواب - اما تميز كاف عربى از عجمى و آنچه از اين قبيل است واجب است و عدم آن عمدا مبطل نماز و ادغام در مقام مذکور هم واجب است و اخلال بآن سبب بطلان نماز است و همچنين مد و لا الضالين و سائر مدات متصله كه حرف

مد و سبب مد در يك كلمه باشد و اما اخلاص بموصوف و موصول و مجرور و مضاف اليه پيچيزی که موجب اعاده اوست احوط آن است که صفت و مضاف و صله و جار را اعاده کند زیرا که آنها در حکم كلمه واحده اند

* السؤال - آیا ماء متنجس که بدفعات جمع شده کر شود پاك است یا نه

الجواب - پاك نیست تا يك کر طاهر دفعة باو القا نشود یا متصل نشود بجاری یا آب باران یا بآب چاه یا بجوشیدن آب از زیرش

السؤال - آیا در جميع عقود و ایقاعات غیر صیغه عربی مجزیست یا نه

الجواب - اصح و اظهر اجزاست و احوط عربیت است با تمکن

السؤال - آیا کسی خودش را فاسق العمل و فاجر العمل بداند اما مردم او را عادل دانند امامتش جائز است یا نه

الجواب - هر گاه معروف در میانه مردم بعدالت باشد جائز است امامتش

* السؤال - آیا زنی برادر یا خواهر شوهر خود را شیر دهد رضاع متحقق شده نشر حرمت بین زوجین میشود یا نه

الجواب - ظاهر این است که نشر حرمت نکند و لیکن احتیاط مطلوب است نه بمعنی وجوب

* السؤال - آیا مصلی آخر آیات را از جهت اینکه اعراب نداند وقف کند نمازش صحیح است یا نه

الجواب - بلی صحیح است

السؤال - آیا در بعض مساجد حصیر یا بوریا انداختن که مسلمین در روی آنها نماز بخوانند مثلاً خونی یا بولی یا نجاستی بآنها برسد آیا میتوان برید آن موضع نجاست را که پاك کردنش بآب متعسر باشد یا نه و همچنین نماز در وسعت وقت قبل از زوال نجس در همان مسجد چه گونه است

الجواب - هر گاه پاك کردن آن موضع بغیر بریدن متعذر باشد و بوجهی ممکن نباشد جائز است و الا فلا و اما نماز کردن در مسجد قبل از ازاله نجاست آن با سعه وقت صحیح است اگر چه فعل حرام بعمل آورده

* السؤال - آیا تداخل اغسال مستحی و واجبی صحیح است یا فردا فردا بعمل آورد

الجواب - تداخل اغسال جائز است تداخل واجب در واجب و مستحب در مستحب و مستحب در واجب و اما عکس یعنی تداخل واجب در مستحب جائز نیست هر چند روایتی مشعر بر جوازش وارد است لیکن خلاف مشهور بین علمای شیعه است و عمل بمشهور در این مقام اقوی و اولی با اینکه احوط است

السؤال - آیا شرایط تقاص چند چیز است

الجواب - چند چیز است اول آنکه حق در ذمه او ثابت و لازم باشد دوم آنکه انکار آن حق نماید سیم آنکه اعتراف بحق کرده و لکن ممتنع از ادا باشد و بنای دادن نداشته باشد چهارم بعضی شرط کرده‌اند که بینه نداشته باشد و از اثبات آن در نزد حاکم شرع عاجز باشد و این شرط نزد حقیر لزوم ندارد پنجم او را قسم نداده باشد هر گاه قسم خورده باشد هر چند بر صاحب مال یقین باشد که قسم دروغ خورده باز تقاص نمیتواند کرد زیرا که قسم عوض مالی است که از او برده ششم آنکه آن مالی که میخواهد از آن تقاص کند امانت نباشد زیرا که خیانت امانت بوجهی جائز نیست هفتم شرط کرده‌اند بعضی از علما که در نزد تقاص کردن این کلمات را بگویند اللهم انی آخذ هذا المال مکان مالی الذی اخذه منی و انی لم آخذ الذی اخذته خیانة و لا ظلما و این را بمنزله صیغه دانسته و گفته‌اند که هر گاه امانت باشد و این کلمات را بگویند میتواند از امانت تقاص کرد و این شرط احوط است مثل ترك تقاص از امانت و الله سبحانه و تعالی هو العالم بحقائق احکامه